

نهادهای ارفاقی جایگزین حبس و تعلیق اجرای مجازات

در قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

سعیده یاری^۱ / دکتر علیرضا میلانی^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

چکیده

یکی از اهداف مهم مجازات‌ها اصلاح و درمان بزه‌کاران است که با اعمال اصل فردی کردن مجازات‌ها می‌توان به این مهم دست یافت. از این رو مهمترین دغدغه‌های سیستم عدالت کیفری هر کشور، پیشگیری از وقوع جرم یا کاهش آثار زیانبار کیفر حبس است. در همین راستا قانونگذار تغییرات و تحولات جدیدی تحت عنوان قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ اجرایی و سیاستگذاری نموده است. بنابراین با تأسیس نهادهای ارفاقی که دارای نگرشی ارفاقی هستند و درصدد آن هستند تا ضمن اعمال کیفر زمینه را برای باز سازگاری کردن محکوم فراهم نمایند لیکن، موارد ارفاق آمیز، نهادهای حقوقی‌ای هستند که متأثر از مکتب عدالت ترمیمی بوده و در راستای اصلاح بزه‌کار و جبران خسارات بزه دیده و ترمیم جامعه می‌باشند. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نهادهایی نظیر نظام آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی و مجازات‌های جایگزین حبس، تعلیق اجرای مجازات و در قانون آیین دادرسی کیفری مواردی همچون قرار ترک تعقیب، قرار توقف تحقیقات و محدود کردن بازداشت‌ها از مصادیق نهادهای ارفاقی می‌باشد. در پژوهش حاضر ما به تحلیل و بررسی نهادهای جایگزین حبس، تعلیق اجرای مجازات در قانون کاهش حبس تعزیری خواهیم پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قانونگذار در زمینه نهادهای ارفاقی جایگزین حبس و تعلیق اجرای مجازات تغییرات و تحولات جدیدی در قانون کاهش حبس تعزیری سیاستگذاری نموده که استفاده از این نهادها اثر محسوس در جهت کاهش جمعیت کیفری فعلی، زندان زدایی و هزینه‌های پرداختی جامعه در قبال جرم، ایجاد شده است.

واژگان کلیدی: قانون کاهش حبس تعزیری، نهادهای ارفاقی، تعلیق اجرای مجازات، مجازات جایگزین حبس.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس. (نویسنده مسئول)

saeideh_yari@yahoo.com

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.

alirezamillani@yahoo.com



مقدمه

بشر همواره در دفاع از حقوق، آزادی جان و مال خویش، متخلف و متجاوز را به عنوان عناوین مختلف کیفر نموده است از جمله این کیفرها سلب آزادی یا زندانی کردن بزهکاران است. به طور کلی اعمال کیفر حبس از دیرباز ابتدایی ترین و ساده ترین پاسخی است که می توانسته از سوی حاکمان جامعه در قبال قانون شکنی قرار گیرد و به همین دلیل همواره توجه افراد جامعه و کارشناسان علوم مختلف را به آثار متفاوت استفاده از آن جلب نموده است. نوع و مفهومی که در هر زمان برای حبس در نظر گرفته شده با توجه به اوضاع و احوال، فرهنگ و مذهب، نوع حکومت و شخص حاکم متغیر بوده است. روزگاری از سیاه چاله های ترسناک و نمناک با حداقل امکانات حیات به نام زندان نام برده شده است، روزی دیگر با تجهیز حداقل ظاهری همین بناها و اصلاح آنان سعی در انسانی تر کردن این کیفرها جهت رسیدن به اهداف مورد نظر داشته اند، ضمن اینکه نقش ادیان و مذاهب مختلف نیز در اعمال و اجرای مجازات حبس بی تأثیر نبوده است. لذا کیفر سالب آزادی سابقه ای طولانی به اندازه حیات بشر دارد و تاریخچه آن بسیار دردناک و غم انگیز است چه بدترین جنایتکاران و بهترین انسان ها هر دو به زندان افتاده اند و در نتیجه این نوع کیفر در زمان های مختلف از دیدگاه های متفاوتی برخوردار بوده است. بعدها حبس به عنوان کیفر اصلی در قوانین پذیرفته شده است. (آشوری، ۱۳۸۲، ۱۱) با این وجود در علم کیفرشناسی^۱ برای مجازات حبس آثار زیانباری برای فرد مرتکب جرم، خانواده او و جامعه بیان شده است و برخی کیفرشناسان بر این اعتقاد بودند که منافع مجازات حبس، کمتر از زیان ها و هزینه هایی است که مجازات حبس بر فرد مرتکب و خانواده او به ویژه جامعه وارد می کند. از طرفی امروزه با اینکه تلاش های فراوانی برای بهبود وضعیت زندان صورت گرفته است، اصلاح و درمان بزهکاران که به عنوان یکی از اهداف اصلی این مجازات مورد توجه بود، با تردیدهای جدی روبه رو شد (آشوری، ۱۳۸۲، ۳۸) و تجربه به کمک آمار تکرار جرم نشان داد ارتکاب مکرر جرم به صورت حرفه ای بیشتر توسط کسانی که سابقه زندان داشته اند، اتفاق می افتد تا کسانی که فاقد چنین تجربه ای بوده اند (غلامی، ۱۳۸۲، ۲۹۶) و این مجازات نه تنها موجب بازپروری مجرمان نمی شود، بلکه در انتقال فرهنگ بزهکاری به مجرمان مبتدی و تبدیل آنها به مجرمان حرفه ای نیز مؤثر بوده است. (مک شین و ویلیامز، ۱۳۸۱، ۱۶۰)

¹ Penology.



افزون بر این، زیاد بودن تعداد زندانیان^۱ و مشکلاتی که در کشورهای مختلف در اداره زندان ها و تورم جمعیت آنها و تحمیل هزینه های کلان به بودجه عمومی ایجاد شده دانشمندان علوم جنایی و دست اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا به فکر چاره ای برای کاهش جمعیت زندانیان باشند (Albrecht, 2012, 1) و این امر موجب گردیده تا قانونگذار به جای استفاده از مجازات حبس در جرایم غیرسنگین از مجازات های کم هزینه، مفید و قابل جبران تحت عنوان «مجازات های جایگزین حبس» از قبیل اجبار به خدمات اجتماعی رایگان یا محرومیت از حقوق اجتماعی یا پرداخت جزای نقدی استفاده کنند (صدری خان لو، ۱۳۹۹) اشاره شده است.^۲

با این اوصاف، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با ارائه یک طرح دو فوریتی (طرح تقلیل مجازات حبس تعزیری) در تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۲ در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی کلید خورد و پس از رفع ایرادات شورای محترم نگهبان در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ در ۱۵ ماده به تصویب رسید و جهت اجرا به دولت ابلاغ شد. از این رو قانون مذکور علاوه بر تغییراتی که در قانون مجازات اسلامی داشته است در حوزه آیین دادرسی کیفری، حقوق جزای عمومی و جزای اختصاصی تغییرات محسوسی را در راستای کاهش کیفر حبس و نیز تغییر ارکان تعقیب متهمان و شرایط تشدید کیفر در تعدد و تکرار جرم و استفاده از نهادهای ارفاقی مانند تعلیق اجرای مجازات جایگزین های حبس و ... ایجاد نموده است.

در این پژوهش در پی آن خواهیم بود که دریابیم، در قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در قلمرو نهادهای ارفاقی جایگزین حبس و تعلیق اجرای مجازات چه تغییرات و تحولاتی صورت گرفته است؟ به نظر نگارندگان با فرضیه ی کاهش جمعیت کیفری زندان ها و حبس زدایی از یک سو و بررسی رویکردهای نوین قانونگذار در قلمرو نهادهای ارفاقی، تغییرات و تحولات قانونی مربوطه در قانون مذکور از سوی دیگر، به نگارش مقاله پرداخته می شود. در این مقاله، با تحلیل مواد قانون کاهش حبس تعزیری مربوط به دو نهاد ارفاقی «جایگزین های حبس» و «تعلیق اجرای مجازات» در پی آن خواهیم بود که ابعاد قانون کاهش حبس تعزیری را از این منظر مورد پژوهش و واکاوی قرار دهیم.

^۱ آمار زندانیان کشور تا خرداد ماه ۱۳۹۹ شمسی ۲۱۱ هزار نفر موجود در زندان های کشور هستند که در ۲۶۸ مرکز نگهداری می شوند. (<https://www.irna.ir/news/83819418>) این آمار تا اواخر سال ۱۴۰۰ حدود ۲۴۰ هزار نفر عنوان شده است و هشتمین کشور جهان با بیشترین تعداد زندانیان است. (<https://tejaratnews.com/training>)

^۲ قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل نهم از مواد ۶۴ تا ۸۷ به مجازات های جایگزین حبس اشاره نموده است.



۱- مبانی نظری نهادهای اصلاحی و ارفاقی

امروزه در اثر تغییر نگرش ها در حوزه فلسفه مجازات ها و تحول مبانی نظری به وجود آمده، نظام های حقوقی دچار تغییر و تحولات عمده ای گردیده اند. نگرش اغلب نظام های حقوقی دنیا نسبت به مجرمین جنبه اصلاحی دارد که با تأکید بر این امر وجود نهادهای ارفاقی پذیرفته شده است. با توجه به تحولات و پیشرفت هایی که در علوم جنایی حاصل شده است، دیگر اعتقاد بر کارآیی و سازگاری مجازات های ثابت وجود ندارد. با توجه به این امور قانون مجازات اسلامی به تبع اصل ۱۵۶ قانون اساسی^۱ همسو با فلسفه و اهداف مجازات ها سیاست به کارگیری نهادهای ارفاقی را پذیرفته است. کاربست نهادهای ارفاقی همسو با اصل فردی کردن مجازات ها^۲ نیز می باشد.

اصل فردی کردن مجازات ها به عنوان یکی از اصول مترقی حاکم بر مجازات ها به معنای اعمال و اجرای مجازات متناسب با شخصیت و ویژگی های جسمی، روانی و اجتماعی فرد مجرم است که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی و یا خصوصیت مجنی علیه از طرف مقنن پیش بینی شده و از سوی قوای قضائیه و مجریه به منصف ظهور کشیده می شود و ممکن است حسب مورد منجر به تشدید یا تعلیق مجازات ها گردد. لذا با توجه به عواملی همچون تأثیرپذیری شخصیت انسان از عوامل مختلف زیستی، روانی و اجتماعی و وجود تفاوت ها، به کار بردن اعمال متفاوت جهت اجرای عدالت و اصلاح مجرم ضرورت پیدا می کند. همه این عوامل خود می توانند به تنهایی مبنایی برای پذیرش نهادهای ارفاقی تلقی گردند. اعمال نهادهای ارفاقی منطبق با اصل فردی کردن مجازات ها و در راستای اهداف مجازات ها و قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» است. بدیهی است که اتخاذ این تدابیر از جمله سیاست های حکومت در قبال جرایم و کیفرزدایی^۳ از آنهاست. همچنین استفاده از نهادهای ارفاقی می تواند در جامعه آثار بسیار مثبتی نظیر جلوگیری از برچسب خوردن افراد، انجام

^۱ اصل ۱۵۶ ق.ا مقرر می دارد: «قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است: ۱) رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حبسیه، که قانون معین می کند؛ ۲) احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع؛ ۳) نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ ۴) کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛ ۵) اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

^۲ Individualization of punishment.

^۳ کیفرزدایی «Depenalization»، زدودن کیفر از اعمال مجرمانه یا کاهش آثار آن است و به منزله ی یکی از راهکارهای کاهش مداخله حقوق کیفری در معنای وسیع خود ناظر به همه ی اشکال تراکم زدایی در حوزه نظام کیفری است. از این رو «جرم زدایی ناقص» نیز تعبیر شده است. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ۷۷)



فعالیت های روزانه، دور بودن از محیط زندان، اشتغال و ... از خود بر جای بگذارد. بنابراین از طریق اعمال نهادهای ارفاقی بهتر می توان به غایت و اهداف مجازات ها نائل گشت. (بهره مند و همکاران، ۱۳۹۶، ۴۲-۴۱)

۲- نهادهای ارفاقی با رویکرد قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همچنین قانون آیین دادرسی کیفری مواد و نهادهای گوناگونی وجود دارد که با مکتب عدالت ترمیمی هم خوانی دارد.^۱ بدین صورت که با مساعدت به بزهکار، خواستار باز اجتماعی نمودن و جامعه پذیری مجدد وی و همچنین در پی جلوگیری از تکرار جرم و ترمیم گسست های ناشی از جرم می باشد. لذا در راستای کاهش آثار سوء مجازات حبس یعنی (سلب حق آزادی) به عنوان مهمترین حق انسان بعد از «حق حیات»، در دو بُعد «کاهش» و «جایگزینی» مجازات حبس، تغییراتی تحت عنوان «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹» اجرایی نموده و صرف نظر از برخی موارد اتفاقی تشدید مجازات در این قانون و لیکن با عنوان کلی «قانون کاهش»، قانونگذار در موضوع نهادهای ارفاقی به طور کلی از نظر دایره شمول برای برخی جرایم و هم برای برخی شرایط اعمال آنها، سیاست گذاری نموده است. در همین راستا شایان ذکر است که قوه قضائیه به تأسی از قانونگذاران بر «حبس زدایی» به منظور کنترل و کاهش جمعیت کیفری زندان ها تأکید دارند در این راستا و با صدور بخشنامه ها و آیین نامه ها و دستورالعمل های متفاوت همت گمارده اند. بر همین اساس طی مراحل مختلف دستگاه قضایی با توجه به اوضاع و شرایط جهت اصلاح شرایط وخیم و قوانین سخت زندان به منظور ارتقاء عدالت قضایی و حقوق زندانیان آیین نامه های متعددی صادر گردید از جمله آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مورخ ۱۳۸۰/۰۴/۲۶ اصلاحی ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ که در اجرای ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۰۶ است. ریاست قوه قضائیه با اصلاح مکرر آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، بخشنامه ها و دستورالعمل های مختلفی در خصوص اعطای مرخصی های بلند مدت علاوه بر مرخصی های موضوع آیین اجرایی سازمان زندان ها، بخشنامه ها و استفاده از آزادی مشروط برای رهایی زندانیان، دستورهای صادر شده است.

^۱ در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۸۲، ۸۳، ۸۴ و ۱۹۲ عدالت ترمیمی مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است. البته قابل توجه است که در همین زمینه آیین نامه میانجیگری در امور کیفری مصوب ۱۳۸۵/۰۷/۲۸ هیأت وزیران نیز در تلاش در جهت فصل خصومت از طریق آموزه های عدالت ترمیمی و به روش میانجیگری می باشد.



همچنین در اقدامات بعدی قوه قضائیه با هدف تسهیل اجرای مجازات های جایگزین حبس و حبس زدایی، بخشنامه ها و آیین نامه های دیگری مانند «آیین نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی و جایگزین های حبس» مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۴ قوه قضائیه صادر گردیده است. اقدام مهم دیگری که از سوی قوه قضائیه در جهت «حبس زدایی» و «کاهش جمعیت کیفری زندان ها» صورت گرفته است در دوران شیوع ویروس کووید ۱۹ بوده و برای ورود زندانیان جدید به زندان ها با صدور بخشنامه هایی^۱ شرایط را برای اعزام به مرخصی زندانیان در راستای پیشگیری از شیوع این ویروس ایجاد کرده است. به موجب این بخشنامه^۲ که در قالب طرح پایش و غربالگری زندان ها، وضعیت زندانیان و تحقق اهداف اجرای حبس، رصد و پایش می شود این امکان را فراهم می سازد که مسؤولان زندان به عنوان متولی اصلی فرآیند اصلاح و تربیت عمل کنند و در صورت مشاهده تغییر رفتار در زندانیان، گزارش آن را برای مراجع قضایی ارسال نمایند تا آنها نیز بتوانند با استفاده از ظرفیت های قانونی زمینه آزادی مشروط، کاهش و یا تعلیق مجازات محکومان را فراهم نمایند. همچنین بیمارانی که توانایی تحمل حبس ندارند یا افرادی که از زمان شروع ویروس کووید ۱۹ هیچ ملاقات کننده ای نداشتند^۳ یا افرادی که در مواعد قانونی در خصوص ادامه بازداشت آنها تصمیم گیری نشده است و یا کسانی که مستحق برخورداری از امتیازات قانونی همچون تعلیق اجرای مجازات، جایگزین های حبس و ... می باشند، بیش از گذشته مورد توجه و پیگیری واقع شوند. بنابراین، در ادامه به بررسی تفصیلی دو نهاد مذکور شرایط و حالات گوناگونی که برای تحقق آنها، متصور است می پردازیم.

۲-۱- مجازات جایگزین حبس

از آغاز سده نوزدهم که زندان به عنوان مجازات اصلی جایگاه مهمی در بین مدل های مختلف واکنش اجتماعی علیه رفتار مجرمانه پیدا کرد، سلب آزادی از محکومان، به تدریج خاصیت ترعیبی خود را از دست داد و اصلاح و بازسازی محکومان جای آن را گرفت. بدین ترتیب، هم قانونگذاران ملی و هم سازمان های منطقه ای و بین المللی چون شورای اروپا و سازمان ملل، جداگانه یا با همکاری همدیگر کوشیدند تا شیوه های اداره و سازمان دهی مجازات زندان را

^۱ بخشنامه شماره ۹۴۸۳۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ و ۱۳۹۹/۰۵/۱۰۰ مورخ ۹۰۰۰/۱۳۲۴۵۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۴.

^۲ بخشنامه شماره ۱۲۵۲۶۷/۱۰۰ مورخ ۹۰۰۰/۱۲۵۲۶۷/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۱۰.

^۳ سه سال گذشته از زمان شیوع ویروس کووید ۱۹.



دگرگون سازند، تا شاید از این طریق بتوان حقوق محکومان را بهتر رعایت کرد. مهمترین اقدام سازمان ملل را در این مورد می توان تصویب «حداقل قواعد لازم الرعایه در مورد رفتار با زندانیان» دانست. (فیروزی نیا، ۱۴۰۰، ۲۸)

اما با تمام تلاش هایی که راجع به اصلاح زندان ها صورت گرفت، نتایج به دست آمده ناامیدکننده بود و بازپروری اجتماعی و اصلاح مجرمان در زندان ها، تقریباً مردود شناخته شد. در کنار این اقدامات که هزینه های هنگفتی را بر دولت ها تحمیل کرد، دیدگاه جدیدی به تدریج کوشید تا توسل به کیفر سالب آزادی را به حداقل برساند و جایگزین های مناسبی برای آن جستجو کند. تردیدی نیست که حامیان این نظریه با عنایتی که به واقعیات دارند، معتقدند که در اوضاع و احوال کنونی، هنوز هم افرادی هستند که باید از «آزادی تردد» آنان جلوگیری شود و به عبارتی زندانی شوند، ولی قبول این مطلب نباید به منزله پذیرش تعمیم مجازات زندان تلقی شود. آنان معتقدند که سلب آزادی از محکومان، باید به عنوان «آخرین حربه» و آنگاه که هیچ شیوه و راهکار قابل اعتماد دیگری نباشد، به عنوان واکنش جامعه در مقابل مجرمان به کار گرفته شود. بر این اساس، حامیان این نظریه به جای زندانی کردن مجرمان، اقدام به ابداع شیوه های جدید مجازات مجرمان، از قبیل جزای نقدی، خدمات عام المنفعه، حبس در منزل، مجازات های سالب و یا محدود کننده حقوق و ... نمودند تا حتی الامکان بتوانند جلو آثار سوء زندان را بر جامعه، فرد زندانی و خانواده او بگیرند. (فیروزی نیا، ۱۴۰۰، ۲۹) با این اوصاف عنوان «مجازات های جایگزین حبس»^۱ که برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مطرح شده را باید یکی از تحولات و رویکردهای نوین این قانون دانست. «مجازات جایگزین حبس»، همان گونه که از عبارت پیداست یعنی «ارائه راهکار و طریقی به منظور جلوگیری از سلب مطلق آزادی فرد، هرچند که این راهکار و طریق نیز خود به نوعی مجازات تلقی می گردد». بنابراین مجازات جایگزین عبارت است از تغییر و تعویض مجازات مصرح قانونی به نوع دیگر که مناسب تر به حال متهم باشد و به عبارت دیگر مجازات های هستند که از ورود بزهکاران مرتکب جرایم کم اهمیت به زندان جلوگیری می کنند. (بهره مند، ۱۳۹۶، ۳۶۵)

در مجموع ۲ مفهوم متمایز از جایگزین های زندان به ذهن متبادر می شود: (۱) مفهوم خاص؛ مجموعه ای از ضمانات اجرایی کیفری مانند جزای نقدی، دوره مراقبت و خدمات عمومی رایگان با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع محور که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای

¹ Alternative to prison.



آن دسته از مجرمینی که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برای آنان و جامعه خطرناک، غیرمفید و غیرضروری است. ۲) مفهوم عام؛ منظور هرگونه ضمانت اجرایی است که بتواند از همان ابتدا به طور کلی مانع توسل به مجازات زندان شود یا مدت زندان را کوتاه تر کند. در این مفهوم نه تنها جایگزین هایی مانند کار عام المنفعه با حبس خانگی بلکه «تعلیق ساده» و «تعلیق مراقبتی» نیز در ردیف جایگزین ها محسوب می شوند. (داچک، ۱۳۹۹، ۱۲۰) اصطلاح «جایگزین های حبس» در مفهوم عام، شامل کلیه تدابیری مانند آزادی مشروط، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان و جزای نقدی که عملاً منجر به کاهش جمعیت کیفری زندان و عدم توسل به مجازات حبس و یا گریز از آن خواهد شد، می شود. (داچک، ۱۳۹۹، ۱۲۱)

با این وجود گفتنی است که قانونگذار تعریفی از مجازات های جایگزین حبس ارائه ننموده است، بلکه ۵ مصداق را به عنوان مجازات های جایگزین معرفی می نماید که عبارتند از: دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان،^۱ جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی که در ماده ۶۴ همین قانون آمده و این موارد، همان گونه که از عناوین شان پیداست به جای حبس اعمال می شوند. البته باید متذکر شد که، اعطای این موارد با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می شود. از این رو هدف از اجرای این مجازات ها، بازگرداندن مجرم به جامعه و اجرای مجازات در زمان حضور مجرم در جامعه می باشد. اجرای این مجازات ها نیازمند پذیرش عمومی آن می باشد. اگر اعضای جامعه از این طرح حمایت کنند، میزان اعتماد به نفس و تعهد

^۱ نکته قابل توجه در مورد خدمات عمومی رایگان: هرچند عموماً خدمات عمومی رایگان را به عنوان مجازات جایگزین حبس می شناسیم اما بایستی توجه داشت که سه نوع خدمات عمومی رایگان در قانون مجازات اسلامی مدنظر است: (۱) محکومیت به این مجازات منوط به رضایت محکوم است در ضمن اگر محکوم بدون عذر موجه از مفاد حکم تبعیت ننماید به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار اول یک چهار تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می گردد؛ ۲) الزام به خدمات عمومی رایگان به عنوان مجازات تکمیلی، این مجازات می تواند به اختیار دادگاه علاوه بر محکومیت اصلی به حد یا قصاص یا تعزیر تعیین گردد در این مورد اگر محکوم بدون عذر موجه مفاد حکم را رعایت نکند دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸ تبدیل می کند؛ ۳) الزام به خدمات عمومی رایگان برای نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال که مرتکب جرم تعزیری درجه ۵ یا ۶ می شوند این مورد مجازات اصلی است. با توجه به اطلاق قانون در این مورد نیازی به اخذ رضایت از مرتکب وجود ندارد.



مجرمین افزایش یافته و عدالت کیفری برقرار می گردد. (دلفانی و همکاران، ۱۳۹۹، ۸۵۴) اجرای مجازات های جایگزین، کارکردهای مثبتی دارد که در صورت اعمال صحیح آن، دستیابی به آنها محقق خواهد شد. از جمله اهداف اجرای این مجازات ها، کاهش جمعیت کیفری حبس و صرفه جویی در هزینه ها می باشد زیرا مجازات های اجتماعی با توجه به منابع و هزینه های عمومی بسیار اقتصادی و مقرون به صرفه است. مجازات های جایگزین نه تنها باعث جلوگیری از افزایش جمعیت کیفری حبس می شود، بلکه حتی در برخی موارد مانند خدمات اجتماع محور و جزای نقدی روزانه، دارای بار مثبت مالی برای جامعه و دولت است. (دلفانی و همکاران، ۱۳۹۹، ۸۵۴) البته ناگفته نماند «مجازات های جایگزین» هر چند دارای آثار مثبتی هستند، آثار منفی را نیز در بردارند. اما نظر به مضرات حبس و عواقب ناشی از حبس های کوتاه مدت و اینکه این حبس ها ممکن است تکرار جرم را افزایش دهند (Social Exclusion unit, 2002) یا اینکه آثار سوء این نوع مجازات را نسبت به مقاصد آن به شدت کاهش می دهد، از قبیل آن تأثیر سوء حبس بر شخصیت زندانی، آموزش جرایم، پایین آمدن سطح بهداشت و اخلاق است. (شاکری، حیدری، ۱۳۹۶، ۱۳۱) بنابراین، هر چیزی که در مورد مجازات های جایگزین حبس بدیهی به نظر می آید آن است که جایگزین های حبس نهادی جرم شناختی هستند و با توجه به شروطی مانند گذشت شاکی و استفاده از جایگزین هایی مانند خدمات عمومی رایگان به نظر می رسد در راستای مجازات های اجتماع محور یا جامعه‌ی است، که کیفرهایی هستند در حد فاصل میان حبس و ضمانت اجرای مالی مثل جزای نقدی که در آن شخص مرتکب دارای محدودیت بوده و با نهادهای کیفری ارتباط فعال دارد. (Gelsthorpe and Rex, 2001: 1) همچنین، مجازات های جایگزین حبس، از بین اهداف مبتنی بر کیفر، مبتنی بر رویکرد فایده گرایی و آن هم هدف اصلاح و درمان است. (شمس ناتری، ریاحی، ۱۳۹۱، ۱۹۲) به جای آنکه مبتنی بر اندیشه و تدابیر سزادهنده و سرکوبگر باشد. (غلامی، خاکساری، ۱۳۹۸، ۱۰)

با این همه در خصوص شرایط تبدیل حبس به مجازات های جایگزین با استناد به ماده ۶۴ ق.م.ا تعیین مجازات جایگزین حبس منوط به گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف مجازات است. اما هیأت عمومی دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹، این ماده را بدین نحو تفسیر نموده، در موارد الزامی تبدیل مجازات جایگزین حبس، گذشت شاکی و



وجود جهات تخفیف مجازات ضرورت ندارد و مجازات حبس الزاماً باید به مجازات جایگزین تبدیل شود.^۱

اما در خصوص مجازات های جایگزین حبس در قانون کاهش حبس تعزیری باید گفت که به موجب ماده ۶ (۳۷ ق.م.ا) این قانون^۲ در خصوص انفصال دائمی در برابر قانون گذشته هیچ تغییری صورت نگرفته است اما درباره «مجازات حبس» در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، تمامی حبس ها (از هر

^۱ بسته به این که جرم عمدی یا غیرعمدی باشد، نحوه تبدیل آن به مجازات جایگزین بر اساس میزان حبس اصلی متفاوت است:

در جرایم عمدی که مجازات اصلی آنها تا ۳ ماه حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین اجباری است و در جرایم عمدی که مجازات اصلی آنها ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین در صورت نبود موانع مندرج در قانون، اجباری است.

در جرایم عمدی که مجازات اصلی آنها ۶ ماه تا ۱ سال حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین در صورت نبود موانع مندرج در قانون، اختیاری است. منظور از موانع تعیین مجازات جایگزین حبس در بندهای «۲ و ۳» داشتن بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا ۶ ماه یا جزای نقدی بیش از ۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال یا شلاق تعزیری یا یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از ۶ ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه به لحاظ ارتکاب جرم عمدی و سپری نشدن ۵ سال از اجرای این مجازات ها است.

در جرایم عمدی که مجازات اصلی آنها بیش از ۱ سال حبس است، در صورتی که دادگاه حبس را به کمتر از ۱ سال تخفیف دهد، تبدیل حبس به مجازات جایگزین ممنوع است، و در غیر این صورت اختیاری است.

در صورت تعدد جرایم عمدی با مجازات بیش از ۶ ماه حبس، تبدیل حبس به مجازات جایگزین ممنوع است. در جرایم غیرعمدی که مجازات اصلی آنها کمتر از ۲ سال حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین الزامی است همچنین در جرایم غیرعمدی که مجازات اصلی آنها بیش از ۲ سال حبس است، تبدیل حبس به مجازات جایگزین اختیاری است. البته در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، قاضی نمی تواند حکم به جایگزین حبس صادر کند. همچنین قاضی در صورت صدور حکم به مجازات جایگزین حبس، میزان حبس اولیه را هم در حکم ذکر می کند تا اگر اجرای مجازات جایگزین امکان پذیر نشود یا محکوم علیه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، مجازات اصلی (حبس) اجرا شود.

^۲ ماده ۶- ماده (۳۷) ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود:

ماده ۳۷- در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف) تقلیل مجازات حبس به میزان ۱ تا ۳ درجه در مجازات های درجه ۴ و بالاتر؛ ب) تقلیل مجازات حبس درجه ۵ و درجه ۶ به میزان ۱ تا ۲ درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه ۷ حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛ پ) تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه ۱ تا ۴؛ ت) تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال؛ ث) تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان ۱ یا ۲ درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر.



درجه ای که بودند) صرفاً ۱ تا ۳ درجه قابل تقلیل بود بنابراین در خصوص حبس های تعزیری درجه ۱ تا ۴ قانون کاهش حبس تعزیری مانند قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عمل می گردد، اما در مورد حبس های تعزیری درجه ۵ تا ۷ احکام تازه ای مقرر نموده است و امکان دگرگونی مجازات نیز فراهم شده است. درباره سایر مجازات ها غیر از حبس، انفصال و مصادره کل اموال در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز ۱ تا ۲ درجه قابل تقلیل و نیز ۱ تا ۲ درجه قابل تبدیل بودند درحالی که در قانون کاهش حبس تعزیری ۱۳۹۹، یک تا دو درجه قابل تقلیل هستند اما در مقام تبدیل به مجازاتی از همان درجه یا یک درجه پایین تر از آن. (ناظم، ۱۳۹۹، ۱۴۶)

نکته ی دیگر که در قانون کاهش حبس تعزیری مورد تأکید قرار گرفته است در خصوص تبصره الحاقی به ماده ۳۷ ق.م.ا است. به موجب این تبصره: «چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می یابد، حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می شود».^۱ بنابراین تا پیش از تصویب قانون کاهش حبس و الحاق تبصره مذکور، در بخش مجازات های جایگزین حبس مواد ۶۵ الی ۶۸ ق.م.ا،^۲ برای اعمال مجازات های جایگزین حبس، حداکثر مجازات قانونی ملاک بود نه مجازات قضایی. به عنوان مثال در جرایم عمدی اگر حداکثر مجازات جرمی بیش از ۱ سال حبس بود دادگاه تحت هیچ شرایطی نمی توانست به مجازات جایگزین حبس حکم دهد (حتی اگر مجازات قضایی را ۲ ماه تعیین می نمود).

به هر حال اینک تبصره الحاقی ماده ۳۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ یک استثنا به این امر وارد نموده و تنها موردی که مجازات قضایی را ملاک قرار داده است مربوط به مجازات قضایی کمتر از ۹۱ روز حبس (از ۱ روز تا ۳ ماه حبس) است که در این صورت حکم به جایگزین حبس الزامی است (صرف نظر از اینکه مجازات قانونی بزهکار به چه میزان باشد)، افزون بر این در مواردی که مجازات قضایی ۹۱ روز حبس یا بیشتر باشد برای انتخاب مجازات جایگزین حبس به حداکثر مجازات قانونی جرم ارتكابی توجه می شود. به عنوان مثال اگر مجازات قانونی جرم عمدی ۶ ماه تا ۲ سال حبس باشد و قاضی صادرکننده حکم با اعمال کیفیات مخفف به ۳ ماه حبس حکم دهد باید مجازات را به جایگزین حبس تبدیل کند، لیکن اگر به ۴ ماه حبس دهد امکان صدور حکم به جایگزین حبس

^۱ منظور از عبارت «مجازات جایگزین مربوط» در تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا اصلاحی ۱۳۹۹، به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۱۳۹۹/۸۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۳۰ اداره حقوقی قوه قضائیه، مجازات جایگزین حبس جرایمی است که مجازات قانونی آنها حداکثر ۳ ماه حبس است.

^۲ مواد مرتبط با مجازات های جایگزین حبس در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ عبارتند از مواد ۴۲۷، ۵۱۶، ۵۲۹ و ۵۵۷ می باشد.



وجود ندارد به این دلیل که حداکثر مجازات قانونی، بیش از ۲ سال است و در جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از ۱ سال است و مجازات قضایی آنها بیش از ۳ ماه سال است امکان اعمال مجازات جایگزین وجود ندارد.

در قسمت دیگری از این بحث لازم است در خصوص ماده ۱۰ قانون کاهش حبس تعزیری اصلاحی ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نکته ای را متذکر شویم، ماده ۱۰ قانون حبس تعزیری اعلام می دارد: «ماده (۷۲) ق.م.ا به شرح زیر اصلاح می شود: تعدّد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از ۱ سال حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است». منظور از «تعدد جرم» در ماده مذکور، تعدّد مادی است نه تعدّد معنوی، و منظور از «تعدد جرایم عمدی» وضعیتی است که مرتکب بیش از یک جرم عمدی را مرتکب شده باشد، که حداقل مجازات قانونی یکی از آن جرایم بیش از ۱ سال حبس است، و این امر توسط دادگاه احراز شده باشد. از این رو دادگاه با لحاظ ماده ی یاد شده نمی تواند در هنگام صدور حکم به محکومیت متهم، از مجازات جایگزین حبس استفاده نماید در واقع اعمال مجازات جایگزین حبس در این شرایط منتفی است.

در قسمت انتهایی این بحث در خصوص جرایم تعزیری قابل گذشت سؤالی به ذهن متبادر می شود که ذکر آن خالی از فایده نیست اینکه، در جرایم تعزیری غیرقابل گذشت، هرگاه بعد از صدور حکم قطعی شاکی خصوصی گذشت کند آیا دادگاه این اختیار را دارد که در مقام اعمال ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، علاوه بر تخفیف، مجازات را به جایگزین حبس تبدیل کند یا اینکه اجرای مجازات را تعلیق نماید؟ در پاسخ به این پرسش اداره کل حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۱۷۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۳۰ اعلام داشته، هرچند ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک منحصر به تخفیف و شیوه تخفیف در ماده ۳۷ ق.م.ا (اصلاحی ۱۳۹۹) است اما اگر شرایط اعمال مجازات جایگزین حبس وجود داشته مانعی وجود ندارد. در مورد تعلیق اجرای مجازات اینکه، ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک شامل تعلیق نمی شود اما چون دادگاه همان دادگاه صادرکننده رأی قطعی است با حصول شرایط ماده ۴۶ ق.م.ا (اصلاحی ۱۳۹۹) از جمله تحمل لااقل یک سوم محکومیت تعلیق مانعی ندارد. برای روشن تر شدن این پرسش لازم است که متذکر شویم، این فرض زمانی است که جرم ارتكابی دارای حبس درجه ۶ و غیرقابل گذشت باشد و شاکی خصوصی بعد از حکم قطعی گذشت نماید در اینجا اگر دادگاه طبق ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی حبس درجه ۶ را ۲ درجه تقلیل دهد به درجه ۸ آنگاه وفق تبصره الحاقی به ماده ۳۷ ق.م.ا (ماده ۶ قانون کاهش حبس تعزیری ۱۳۹۹) ملزم به تعیین جایگزین حبس است.



۲-۲- تعلیق اجرای مجازات

تعلیق در فرهنگ های لغت فارسی عمدتاً به معنی انجام نشدن کاری یا بلا تکلیف ماندن امری بدون مشخص بودن زمان قطعی انجام یافتن آن آمده است. از نظر تاریخی، تعلیق مجازات هرچند سیستم جدیدی است که وارد سیاست جنایی کشورها گردیده است اما ریشه های آن به قرن هجدهم میلادی بر می گردد و یادآور طرح «جایگزینی مجازات» از سوی اندیشمندان مکتب تحقیقی (اثباتی) است که اجرای مجازات را نسبت به برخی مجرمان بی فایده می دانستند، همچنان که نهاد تعلیق، با سیاست جنایی دفاع اجتماعی نوین نیز هم سویی دارد، زیرا در این مکتب هر نوع جرم اندیشی در مورد اجرای مجازات مورد سرزنش قرار می گیرد و قانونگذار را به ایجاد برقراری تعادل میان حقوق جامعه و فرد، مکلف می گرداند. (آنسل، ۱۳۹۱، ۳۵) بنابراین می توان گفت که نهاد «تعلیق اجرای مجازات» یک نهاد با سابقه در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران می باشد. در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، به موجب مواد ۱۴۶ الی ۵۵، این تأسیس حقوقی در مجازات های تعزیری وجود دارد. قانونگذار با ایجاد نهاد تعلیق اجرای مجازات، هدف تعلیق را بدون اجرا ماندن حکم مجازات دانسته و فرصتی را در جهت جبران مافات به بزهکار در چارچوب رعایت شرایط و اصولی اعطاء می نماید، و مراقبت های پس از صدور آن را به نحو مطلوب می بایستی مطابق قواعد به انجام رساند تا روحیه ی تبهکاری مجرم و جرأت او نسبت به ارتکاب جرم محدود شده باشد. به عبارتی رسالت قانونگذار بیشتر در اهداف بلند مدت که عبارت از پیشگیری از وقوع جرم و توجه به فرآیند تربیت و رشد انسان است، متمرکز شده است تا به هدف نهایی خود که همانا حفظ نظم و برقراری امنیت در جامعه و صیانت از حقوق افراد می باشد، نائل گردد. لذا تعلیق اجرای مجازات به عنوان راهکاری جهت جلوگیری از سلب آزادی، سلب امکان کسب و کار و درآمد از متهمان و مجرمین اتفاقی و فاقد سوء سابقه وارد می شود و از ضربه ی مهلکی که به فرد در نتیجه انقطاع ارتکاب خانوادگی، اجتماعی و شغلی وارد می گردد، جلوگیری می کند. (میرزایی یزدی و موسوی، ۱۳۹۹، ۲۶۸)

۱ ماده ۴۶ ق.م.ا ۱۳۹۲ اشعار می دارد: «در جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از ۱ تا ۵ سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید». نهاد تعلیق اجرای مجازات در مورد مجازات های موجب قصاص، دیه، حدود، تعزیرات درجه ۱ و ۲ و تعزیرات منصوص شرعی اعمال نمی شود.



تعليق اجرای مجازات بدین معناست که اجرای تمام یا قسمتی از مجازات تعزیری در مورد محکوم عليه با شرایط خاصی معلق می شود تا چنانچه در مدت معینی مرتکب جرم نگردد و از دستورات دادگاه تبعیت نماید، محکومیت او کان لم یکن تلقی می شود. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۲۴۰) جلوگیری از تحمل عواقب زیان بار مجازات های زندانی از ناحیه ی مرتکب و خانواده ی او، بهره مندی جامعه از نیروی کار مجرم، فرصت دادن به مجرم جهت انطباق رفتار خود با هنجارهای جامعه و نهایتاً رعایت اصل تفرید مجازات ها و گاهی توسل به انصاف در اجرای امور کیفری، جملگی توجیهاتی است که برای توسل به ساز و کار نهاد «تعليق اجرای مجازات» بیان شده است. به خصوص این که آثار زیان بار بسیاری از جرایم، به حدی نیست که جامعه خواهان کیفر دادن مرتکب باشد. (مصدق، ۱۳۹۴، ۳۴۱)

امروزه، تعليق اجرای مجازات، به عنوان یکی از مجازات های جایگزین یا مجازات های بینابینی، مطرح است. برای اجرای تعليق مراقبتی،^۱ بسیاری از کشورها با ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب، قدم های مؤثری را در راه اصلاح بزهکاران غیر خطرناک برداشته اند. در کشور ما نیز از اوایل قرن حاضر ایده تعليق مجازات در قوانین جزایی نمود پیدا کرد. لیکن متأسفانه علی رغم گذشت سال ها از تاریخ تصویب آن، هیچ نهاد متناسبی برای ساماندهی و نظارت بر امر تعليق مجازات به وجود نیامده است. این کمبود در عمل دادگاه ها را به صدور قرارهای ساده متمایل کرده و نوعاً در قضات اشتیاقی برای صدور تعليق مراقبتی^۲ مشاهده نمی شود. متأسفانه رویه قضایی کشور ما با نهاد تعليق مجازات، برخورد جدی ندارد و در عمل از آن صرفاً به عنوان یکی از روش های تخفیف مجازات، استفاده می کند و بر این اساس حساسیت لازم در قضات برای رعایت شرایط قانونی تعليق، مشاهده نمی شود. (میرزایی یزدی و موسوی، ۱۳۹۹، ۲۶۸) با این اوصاف با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، توسعه قلمرو نهاد تعليق اجرای مجازات نسبت به جرایم مهمتر از جمله جرایم علیه امنیت و جرایم علیه اموال و مالکیت مانند کلاهبرداری بیشتر از گذشته شده است.

¹ Probation.

² تعليق مراقبتی به موجب ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عبارت است از: متوقف شدن اجرای تمام یا قسمتی از مجازات همراه با الزام بزهکار به انجام دستورهای را تعليق مراقبتی گویند. (کواچی هامایی، ۱۳۷۷، ۷۷) در این روش بزهکار نسبت به اجرای دستوراتی که مقام قضایی تعیین می کند، متعهد گردیده و در نتیجه مجازات تعیین شده برای یک دوره ی زمانی مشخص، معلق می شود. (Phillips Richard, 2005)



علیرغم اینکه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اصلاحاتی چشمگیر به ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ وارد آورده و در این بین مواد مربوط به نهاد تعلیق اجرای مجازات نیز مصون از تغییر نمانده است لکن می توان مدعی شد که اصلاحات این قانون در نهاد تعلیق اجرای مجازات در راستای تقویت و توسعه بیشتر آن بوده است به نحوی که ماده ۷ این قانون، شماری از جرایم را که ماده ۴۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ غیرقابل تعلیق شمرده بود اصلاح نموده و اجازه تعلیق را به برخی از آن جرایم توسعه و تسری داده است و این موضوع از ابتکارات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ به شمار می رود و البته تنها تغییر این قانون، در زمینه تعلیق مجازات می باشد. اصلاحات ایجاد شده در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ توسط قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ در ماده ۷ این قانون به شرح ذیل آمده است: «یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ الحاق می شود: تبصره: در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت «همکاری مؤثر مرتکب» در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است.

نکته ای که در اینجا شایان ذکر است در خصوص تعلیق معاون جرم است، لذا با توجه به این تبصره می توان چنین برداشت نمود که تعلیق مجازات جرایم مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۴۷ ق.م.ا ۱۳۹۹، شامل مباشر، شریک و به طریق اولی شامل معاون جرم نیز می گردد. همچنین تعلیق مجازات جرایم علیه عفت عمومی (به جز جرایم موضوع مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) و کلاهبرداری و کلیه جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود و شروع به جرایم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده ۴۶ این قانون در خصوص این تبصره الزامی است».

بنابراین در خصوص جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به وضوح می توان دریافت که دیدگاه مقنن در قبال مرتکبین جرایم امنیتی است تغییر یافته است و پیش بینی امکان تعلیق اجرای بخشی از مجازات این جرایم حاکی از این تغییر است. بنابراین، قانونگذار در ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در ممنوع التعلیق بودن برخی از جرایم مذکور در ماده ۴۷ ق.م.ا ۱۳۹۲، تغییراتی ایجاد کرده است، بدین نحو که جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور^۱ را به شرط

^۱ مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ ق.م.ا (تعزیرات) و نیز جرایم علیه امنیت مندرج در قوانین خاص مثل مواد ۱۷ الی ۲۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ می شود.



«همکاری مؤثر مرتکب»^۱ در بند «الف» ماده مذکور مجازات جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی مطلقاً قابل تعلیق نبود لکن به موجب الحاقات اخیر در ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، قانونگذار از موضع خود عدول نموده و به دادگاه این اجازه را داده است تا در صورت «همکاری مؤثر مرتکب»، در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، اجرای بخشی از مجازات را تعلیق نماید. می توان گفت علی رغم انعطاف بی سابقه قانونگذار در برابر جرایم امنیتی، لکن با این وجود در این حوزه، تعلیق تمام مجازات جرم را اجازه ننموده و فقط تعلیق بخشی از آن را پذیرفته است و این پذیرش را نیز مشروط بر همکاری مؤثر مرتکب نموده است.^۲ (دست رنج و صالحی، ۱۳۹۹، ۹)

در زمینه جرایم علیه عفت عمومی و تغییراتی که به موجب قانون کاهش حبس تعزیری ایجاد شده، می توان بیان داشت که به جز مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ همچنین جرم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود و شروع به آن جرایم را مجاز به تعلیق نموده است، از آنجایی که قانونگذار در صدر ماده ۸۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ تعلیق تعقیب آن دسته از جرایم درجه ۶ تا ۸ که اجرای مجازات شان قابل تعلیق باشد را مجاز دانسته پس بایستی تعلیق تعقیب جرایمی که اخیراً تعلیق شان مجاز شده است را نیز پذیرفت. قانونگذار در بند «پ» ماده ۴۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ اجرای مجازات کلیه جرایم علیه عفت عمومی را غیر قابل تعلیق دانسته بود لکن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری قانونگذار با تغییر موضع خود، تعلیق را به

^۱ برای پی بردن به مقصود قانونگذار از عبارت «همکاری مؤثر مرتکب» شاید بهتر باشد به تبصره «ب» ماده ۳۸ ق.م.ا اشاره نمود و آن همکاری را مؤثر دانست که در راستای شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب جرم باشد و البته اعتبارسنجی این همکاری و همچنین تعیین آن میزان از مجازات که مقرر است به عنوان بخشی از کل مجازات تعلیق شود بر عهده دادگاه خواهد بود.

^۲ در همین راستا نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۶۷۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال اظهارنظر نموده: «با عنایت به تبصره الحاقی به ماده ۴۷ ق.م.ا بر اساس ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و ملحوظ نظر قرار دادن این موضوع که تعلیق اجرای کیفر جرایم امنیتی مشروط است و صرفاً بخشی از آن قابل تعلیق است، آیا دادستان با در نظر گرفتن سایر شرایط مذکور در ماده ۸۱ ق.آ.د.ک می تواند تعقیب جرایم امنیتی را معلق کند؟ با توجه به اطلاق بند «الف» ماده ۴۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ مبنی بر ممنوعیت تعلیق صدور حکم و اجرای مجازات در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ و با عنایت به این که ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که بر اساس آن یک تبصره به ماده ۴۷ ق.م.ا الحاق شده است، صرفاً تعلیق «بخشی از مجازات» این دسته از جرایم را مجاز شناخته است؛ بنابراین دادستان نمی تواند مستند به ماده ۸۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ «تعقیب» متهمان به ارتکاب جرایم علیه امنیت را تعلیق کند».



جز در جرایم موضوع مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در حوزه سایر جرایم تعزیری علیه عفت عمومی مورد پذیرش قرار داده است.^۱

مورد دیگر، بند «ج» ماده ۴۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ قبل از اصلاح، مجازات جرایم اقتصادی با موضوع بیش از ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال را ممنوع تعلیق نموده بود. لذا ماده ۷ قانون کاهش حبس تعزیری با الحاق یک تبصره به ماده ۴۷ ق.م.ا: (۱) جرم کلاهبرداری؛ (۲) جرایم در حکم کلاهبرداری؛ (۳) جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده؛ (۴) جرایمی که طبق قانون، کلاهبرداری محسوب می شوند و شروع به همه آن جرایم را با هر نصاب مالی قابل تعلیق نموده و ممنوع تعلیق بودن را از آنها برداشته است. گفتنی است در بین جرایم اقتصادی فقط جرم کلاهبرداری از ممنوع تعلیق بودن خارج شده است و سایر جرایم اقتصادی مذکور در تبصره ماده ۳۶ کماکان غیرقابل تعلیق می باشند. (دست رنج و صالحی، ۱۳۹۹، ۱۱) در پایان این بحث لازم است که متذکر شویم شمول ماده ۷ قانون کاهش حبس تعزیری فقط بر تعلیق اجرای مجازات است و شامل تعویق صدور حکم نمی شود لهذا جرایم مذکور در این ماده و شروع به آن جرایم کماکان غیرقابل تعویق صدور حکم می باشند.

^۱ مواد ۶۳۷، ۶۳۸ و ۶۴۱ ق.م.ا (تعزیرات) به موجب قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ قابل تعلیق می باشند. نکته قابل توجه در مورد ماده ۶۳۷، رأی وحدت رویه شماره ۷۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور اعلام می دارد: «مستنبط از مقررات ماده ۱۸ ق.م.ا ۱۳۹۲ تعزیر، مجازاتی است که در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می شود و کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام مربوط به آن به موجب قانون تعیین می شود و در ماده ۱۱۵ این قانون به دادگاه اجازه داده شده، مقررات راجع به تخفیف مجازات را در کلیه جرایم تعزیری اعمال کند و در تبصره دوم آن «تعزیر منصوص شرعی» که نوع و مقدار آن همانند مجازات های حدی، غیر قابل تغییر می باشد از اطلاق ماده اخیرالذکر استثناء شده است». با این وجود می توان بیان داشت که به موجب رأی مذکور و ماده ۷ قانون کاهش حبس تعزیری «جرم رابطه نامشروع کمتر از زنا» را قابل تعلیق و تخفیف دانست.



نتیجه گیری

این پژوهش نشان می دهد استفاده درست و به جا از ظرفیت های قانونی تأثیر بسزایی در کاهش جمعیت کیفری زندان ها و حبس زدایی دارد امروزه برخی از کشورها با توجه به معایب استفاده از حبس سعی می کنند حتی الامکان از جایگزینی برای آن استفاده نموده و یا شرایط خروج افراد از محیط زندان را فراهم نمایند تا از این طریق باعث اصلاح و تربیت فرد و ایجاد شرایطی جهت بازسازی کردن محکوم گردند. یکی از این راهکارها، استفاده درست و به جا از نهادهای ارفاقی به ویژه «جایگزین های حبس» و «تعلیق اجرای مجازات» می باشد که قانونگذار هم در قانون آیین دادرسی کیفری و هم قانون مجازات اسلامی و خصوصاً در قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بدان اشاره نموده است و شرایط و طریقه صدور آن را مورد توجه و تأکید قرار داده است. در این قانون نهادهای ارفاقی خصوصاً «جایگزین های حبس» و «تعلیق اجرای مجازات»، تغییرات و تحولات چشمگیری قابل مشاهده است که این امر در کاستن از جمعیت کیفری زندان ها تأثیر مثبتی داشته است و در پژوهش حاضر به صورت مبسوط هر یک از این دو نهاد مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. البته ناگفته نماند که در قانون کاهش حبس تعزیری چالش ها و موانع و اشکالاتی جهت اعمال نهادهای ارفاقی به لحاظ ساختاری، نرم افزاری، سخت افزاری در سیستم قضایی و فرهنگی در بین عموم جامعه و نیز نگاه قضات، وجود دارد و در کنار انتقادهای که نسبت به تعریف و شمول برخی جرایم قابل گذشت و کاهش بدون ضابطه مجازات آنها، و لیکن با اعمال ارفاقات این قانون اثر محسوسی در کاهش جمعیت کیفری دارد.



منابع

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- ۲- آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزین های زندان، یا مجازات بینابین، چاپ اول، تهران، نشر گرایش.
- ۳- آنسل، مارک، (۱۳۹۱)، دفاع اجتماعی، ترجمه: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، آشوری، محمد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۴- بهره مند، حمید، (۱۳۹۶)، سیاست حبس زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۲.
- ۵- بهره مند، حمید، احمدزاده، رسول، رستمی، سینا، (۱۳۹۶)، واکاوی نهادهای ارفاقی در جرایم مواد مخدر، فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه، سال نهم، شماره ۳۹.
- ۶- داچک، هادی، (۱۳۹۹)، مجازات های جایگزین حبس و تأثیر آن بر کاهش جمعیت کیفری زندان، نشریه پژوهش ملل، شماره ۵۴.
- ۷- دست رنج محمد علی، صالحی، محمد مهدی، (۱۳۹۹)، تعلیق اجرای مجازات در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه.
- ۸- دلفانی، رضا، قاسمی، مسعود، نصرتی، یزدان، (۱۳۹۹)، مجازات های جایگزین حبس در رویه قضایی جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای اجرایی آن، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره اول، پیاپی ۹.
- ۹- شاکری، ابوالحسن، حیدری، سید مسعود، (۱۳۹۶)، تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در حقوق ایران، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره سوم.
- ۱۰- شمس ناتری، محمد ابراهیم، ریاحی، جواد، (۱۳۹۱)، ارزیابی مجازات های جایگزین حبس با قانون وصول در حقوق ایران، نشریه مطالعات حقوق دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره ۳.
- ۱۱- صدری خان لو، علی، تحلیل و بررسی قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، روزنامه اعتماد مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۴.



- ۱۲- غلامی، حسین، (۱۳۸۲)، تکرار جرم به عنوان حرفه مجرمانه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۲.
- ۱۳- غلامی، حسین، خاکساری، داوود، (۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر صدور مجازات های جایگزین حبس، نشریه پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۶.
- ۱۴- فیروزی نیا، اکبر، (۱۴۰۰)، تحلیل و بررسی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در حقوق موضوعه ایران، نشریه مطالعات حقوق، دوره جدید، شماره ۱۸.
- ۱۵- مصدق، محمد، (۱۳۹۴)، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکردی کاربردی، چاپ هشتم، تهران، نشر جنگل.
- ۱۶- مک شین، مارلین، ویلیامز، فرانک، (۱۳۸۱)، پذیرش فرهنگ زندان، ترجمه: غلامی، حسین، مجله پژوهش حقوق عمومی، دوره ۴، شماره ۷.
- ۱۷- میرزایی یزدی، زهرا، موسوی، سید اسماعیل، (۱۳۹۹)، تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی، فصلنامه قانون یار، دوره چهارم، شماره شانزدهم.
- ۱۸- ناظم، علی، (۱۳۹۹)، تبدیل مجازات حبس در تبصره ماده ۳۷ قانون کاهش مجازات تعزیری ۱۳۹۹ (نوعی ارزش گذاری در دادرسی برای امر به معروف)، فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره چهارم، شماره پانزدهم.
- ۱۹- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم شناسی (انگلیسی - فرانسه - فارسی)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و گنج دانش.
- ۲۰- هامایی، کواچی، (۱۳۷۷)، تعلیق مراقبتی در دنیا: پژوهشی تطبیقی، مترجم: آقایی نیا، حسین، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

21- Albrecht, H. J. Prison overcrowding-finding effective solutions: strategies and best practices against overcrowding in correctional facilities, Max-Planck-Institut für Ausländisches und Internationales Strafrecht(۲۰۱۲)



22- Battsoms, A, E, Gelsthorpe, L, and Rex, S (2001). Community Penalties: Change and Challenges, Willan Publishing, Cullompton 2001.

23- <https://tejaratnews.com/training>

24- <https://www.irna.ir/news/83819418>

25- Phillips, Richard Land McConnell, Charles, R, The Effective Corrections Manager (Correctional Supervision for the Future), Jones and Bartlett publishers, 2005.

26- Social Exclusion unit (2002), Reducing Re-offending by Ex-prisoners, London, social exclusion unit.



Assistance institutions alternative to prison and reprieve in Law on Reducing the Punishment of Imprisonment, approved in 1399

Saeideh Yari¹ / Dr. Alireza Milani²

Abstract

One of the important aims of punishment is the reform and treatment of criminals that this may be achieved by applying the principle of individualization of punishments. Therefore the most important concerns of the criminal justice system of any country is the prevention of crime or decline harmful effects of the retributive imprisonment. In this regard, the legislator has carried out and authorized new changes and developments under the name of reducing the discretionary imprisonment of law approved in 1399. Therefore with the establishment of assistance institutions that have aid approaches and they are trying to provide the basis for rehabilitation of the convicted punishment, but assistance cases are legal institutions that are driven of corrective justice and their aims are reform the offender and compensate the damage suffered and regenerate the society . In the Islamic law penal code 1392, institutions such as parole system, semi-liberty and alternative to prison, reprieve and in the criminal procedure law item such as appointment to abandon prosecution, stop the investigation and limit detentions are examples of assistance institutions. In the present research we analyze and review institutions alternative to prison, reprieve in the law on reducing of the punishing imprisonment. The research findings show legislator in the basis of assistance institutions alternative to prison and reprieve has made new changes and developments in the Law on reducing punish of imprisonment made a policy that use these institutions has had a noticeable effect in order to reduce the current criminal population, efface prison and costs paid by society for crime.

keywords: Law on reducing the punishment of imprisonment, assistance institutions, reprieve, alternative to prison.

¹ Doctoral student in criminal law and criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Quds branch. (Corresponding Author)

saeideh_yari@yahoo.com

² Assistant professor and faculty member, Faculty of Law, Islamic Azad University, Islamshahr branch.

alirezamillani@yahoo.com

